

رفع شکاف بین تئوری حسابداری و نیازهای عملی حسابداران در بازار کار:

نقش آموزش حسابداری



ترجمه: دکتر رافیک باغومیان

حجت محمدی

آزاد عربزاده

A.A. Agbiogwu

به طور معمول، پژوهشها و کتابهای رشته حسابداری بر رویکرد و الگوهایی متمرکز می‌کنند که ارتباط کمی با بازار کار حسابداران دارند. برنامه‌های آموزشی رشته حسابداری نیز در بیشتر دانشگاهها، بر تئوری‌هایی تأکید می‌کند که جنبه‌های عملی برای دانشجویان ندارند. ساندر (Sunder, 2007) هم به این مورد اشاره کرده است که برنامه‌های آموزشی حسابداری در بیشتر مراکز آموزشی و دانشگاهی بر آموزش بیشتر تئوری حسابداری تأکید می‌کنند و بدین ترتیب نمی‌توانند برای دانش‌آموختگان حسابداری در بازار کار به طور کامل مفید باشند.

بسیاری از حسابداران حرفه‌ای و استادان حسابداری اعتقاد دارند که درسهای ارائه‌شده برای دانشجویان حسابداری در بیشتر دانشگاهها، متناسب با نیازهای حرفه نبوده و این نبود تناسب باعث می‌شود دانشجویان حسابداری بعد از پایان تحصیلات خود و به هنگام ورود مستقیم به حرفه، با مشکل روبه‌رو شوند.

همچنین، نبود تناسب بین درسهای ارائه‌شده برای رشته حسابداری در دانشگاهها و نیازهای حرفه باعث ایجاد مؤسسه‌های زیادی شده است که با انجام تبلیغهای گسترده، آن گروه دانش‌آموختگان رشته حسابداری را که نمی‌توانند وارد بازار کار شوند، جذب می‌کنند و در ازای دریافت شهریه‌های گران به آنان مهارت‌های حوزه فناوری اطلاعات و مهارت‌های کاربردی در حرفه حسابداری را آموزش می‌دهند. این وضعیت موجب تأسف است؛ چراکه اگر دانش‌آموختگان حسابداری از جنبه نظری و عملی به خوبی آموزش می‌دیدند و آماده می‌شدند، با مشکل ناتوانی در ورود به حرفه و کسب توانایی عملی در حوزه حسابداری، روبه‌رو نبودند.

حسابداری خرد دربرگیرنده جنبه‌های تجاری حسابداری است (حسابداری مالی، حسابداری مدیریت و بهای تمام‌شده، و حسابداری دولتی).

از جهتی دیگر، حسابداری کلان موضوعه‌هایی چون درآمد ملی، تراز پرداختها و جریانهای پول ملی را پوشش می‌دهد.

براساس تعریفهای یادشده و با در نظر گرفتن تنوع واحدهای اقتصادی، دامنه گسترده‌ای از مفاهیم حسابداری را می‌توان مورد شناسایی قرار داد که ممکن است از سوی یک خریدار، مشارکت، گروه مذهبی، دولت یا شرکتهای با مسئولیت محدود، مورد استفاده قرار گیرد.

تئوری حسابداری

واژه تئوری حسابداری در فرهنگ لغت معاصر لانگمن (Longman, 2008) به معنی «اصول کلی» و ایده‌های مربوط در مورد موضوعها است. ریشه‌های تئوری حسابداری را باید در تئوری تصمیم‌گیری، تئوری اندازه‌گیری و تئوری اطلاعات جستجو کرد (Glautier & Underdown, 1978). همچنین لازم به یادآوری است که تئوری حسابداری در تأثیر دیگر علوم، مانند اقتصاد و علوم رفتاری قرار دارد. آنان خاطر نشان کرده‌اند که ماهیت بخشی از تئوری تصمیم‌گیری، توصیفی و ماهیت بخشی دیگر هنجاری (دستوری) است؛ به‌گونه‌ای که در بخش اول تلاش بر این است که توضیح داده شود تصمیم‌ها چگونه گرفته می‌شوند و در بخش دوم تأکید بر این موضوع است که چگونه باید تصمیم‌ها گرفته شوند.

از سوی دیگر، مطالعه **گلاتیر و آندرداون** (Glautier & Underdown, 1978) نشان می‌دهد که براساس تئوری اندازه‌گیری، گرفتن تصمیمهای معقول و مستدل به اطلاعات یا داده‌ها بستگی دارد؛ در حالی که اندازه‌گیری چنین داده‌ها و اطلاعاتی نیازمند تعیین معیار، مقیاس و واحد اندازه‌گیری است. تئوری اندازه‌گیری برای حسابداران بسیار مهم است.

چارچوب مفهومی

براساس هدفهای این مقاله، مفاهیمی که در ادامه توضیح داده می‌شود عبارتند از:

- ۱- مفهوم حسابداری،
- ۲- مفهوم آموزش، و
- ۳- مفهوم تئوری.

مفهوم حسابداری

امروزه، سازمانها و واحدهای تجاری به‌طور عمده از سوی افرادی که از سهامداران جدا هستند، مدیریت می‌شوند. به عبارتی، مدیریت از مالکیت جداست؛ این در حالی است که این مهم (جدایی مدیریت از مالکیت) مستلزم نظارت بر عملکرد مدیران به‌وسیله سهامداران است.

از سوی دیگر، واحدهای تجاری کوچک و بزرگ به‌منظور انجام سرمایه‌گذاری و برای گرفتن تصمیمهای مناسب به اطلاعات حسابداری کافی، گسترده و در دسترس، نیاز دارند.

با توجه به مواردی که بر شمرده شد، می‌توان چنین استنباط کرد که حسابداری به‌عنوان زبان کسب‌وکار شناخته می‌شود. پژوهشگران زیادی همچون **وود و اومویا** (Wood & Omuya, 1985) اعتقاد دارند که «حسابها همانند زبان کسب‌وکار هستند».

اون و همکاران (Owen et al., 2005) نیز حسابداری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «حسابداری عبارت است از فرایند شناسایی، اندازه‌گیری، ثبت و گزارش رویدادهای اقتصادی».

از سوی دیگر، **آگیوگو** (Agbiogwu, 2008) حسابداری را این‌گونه تعریف کرده است: «حسابداری یک رشته علمی است که با ثبت، تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی کردن ثروت و درآمد برای اقتصاد و دیگر واحدهای تجاری سروکار دارد؛ به‌گونه‌ای که جریان اقتصادی واحدهای تجاری را ثبت می‌کند».

وی حسابداری را به دو بخش اصلی در قالب حسابداری خرد و حسابداری کلان طبقه‌بندی کرده است. به اعتقاد او،



برنامه‌های آموزشی رشته حسابداری در

بیشتر دانشگاهها بر

تئوری‌هایی تأکید می‌کند که

جنبه‌های عملی برای دانشجویان

ندارد

و آموزش کمک خواهند کرد. "چیک‌وندو (Chikwendu, 2013) در تعریف آموزش از منظری دیگر، آموزش را به‌عنوان کل فرایند یادگیری انسان بیان می‌کند که به‌واسطه آن سطح دانش، امکانات و مهارت‌ها ارتقا می‌یابند. طبق مفاهیم یادشده از آموزش، می‌توان چنین استنباط کرد که آموزش وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است، اما خود هدف نیست؛ بلکه فرایندی است که به هر فرد کمک می‌کند تا مهارت‌های ضروری خود را به‌دست آورده و به‌وسیله آن، خود را با محیط حرفه و بازار کسب‌وکار تطابق دهد.

نقش آموزش حسابداری

پس از بحث جداگانه درباره مفهوم حسابداری و آموزش، ضروری است به نقشی که آموزش حسابداری باید در پر کردن خلاء بین تئوری و حرفه حسابداری ایفا کند، پرداخته شود. آموزش رشته حسابداری دارای یک برنامه درسی در مدارس کار و دانش، دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای، مدارس پیش‌دانشگاهی و دانشگاه‌ها است. براساس کتابچه گروه حسابداری دانشگاه دولتی ایمو (Imo, 2012) واقع در ایالت اُوری (Owerri) در نیجریه، برنامه درسی حسابداری با این هدف طراحی شده تا دانش‌آموختگانی را به جامعه تحویل دهد که بتوانند به‌عنوان حسابدار، صندوق‌دار، ذیحساب، حسابرس، مشاور مالیاتی و دیگر ارائه‌دهندگان خدمات

تئوری اطلاعات

در کسب‌وکار، به‌طور معمول از اطلاعات به‌عنوان منابع سازمانی یاد می‌شود؛ بدین ترتیب این موضوع برای حسابداران بسیار بااهمیت است. با در نظر گرفتن این واقعیت که اطلاعات نوعی منبع تلقی می‌شود، تئوری اطلاعات بر استفاده کارا و اثربخش از این اطلاعات با مدنظر قراردادن ارتباط میان داده‌های ورودی و اطلاعات خروجی تأکید می‌کند.

مفهوم آموزش

بعد از ارائه توضیح مختصری از مفهوم حسابداری و تئوری، هم‌اکنون به این موضوع پرداخته می‌شود که آموزش چیست؟ فرهنگ لغت معاصر لانگمن (۲۰۰۸)، آموزش را چنین تعریف می‌کند: "فرایند درس دادن و یادگیری که به‌طور معمول در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها انجام می‌شود."

به اعتقاد آگادا (Agada, 2004)، آموزش عبارت است از "ایجاد ارزشها، دانش و مهارت به‌وسیله مؤسسه‌های آموزشی که برای رسیدن به این منظور تأسیس شده‌اند."

روشن است که آموزش برای هر نوع اقتصاد و در هر سطحی بسیار ضروری است. از منظر آیدویی و همکاران (Abidoye et al., 2012)، آموزش عبارت است از: "فرایندی که این امکان را به کشورها می‌دهد تا شهروندان خلاق‌تری تربیت کنند که به ادامه پیشرفت فرایند یادگیری

استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای حسابداری تمرکز داشته باشند.

مهارت‌های کاربردی لازم برای حسابداران

حسابداری، فرصت‌های شغلی ممتازی را در بسیاری از زمینه‌های مختلف ارائه می‌کند. این رشته تحصیلی به طور معمول به سه قسمت عمده تقسیم می‌شود که عبارت است از: حسابرسی، حسابداری مالی و مالیاتی، و حسابداری مدیریت. آگیوگو (۲۰۱۰) مهارت‌های مورد نیاز حسابداران در حوزه‌های پیش‌گفته را به شرح جدول ۱ عنوان کرده است.

مهارت‌های نشان داده‌شده در جدول ۱ برای حسابداران شاغل و همچنین برای حسابدارانی که قصد دارند وارد حرفه و بازار کار شوند، مورد نیاز است. مهارت‌های یادشده بیانگر این است که چرا مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا یک حسابدار مبتدی به یک حسابدار خبره تبدیل شود. عامل‌هایی مانند مهارت و تجربه، مهمترین دلیل ایجاد تفاوت بین حسابداران شاغل در بازار کار و دانش‌آموختگان جدید رشته حسابداری است که ذهن آنها با تئوری‌های حسابداری (تئوری تصمیم‌گیری، تئوری اندازه‌گیری و تئوری اطلاعات) انباشته شده است.

نتیجه‌گیری

کسب‌وکارهای نو بیشتر به فناوری پردازش اطلاعات حسابداری اتکا دارند؛ این در حالی است که نرم‌افزارهای جدید حسابداری به تهیه آسان‌تر گزارش‌های مالی، کمک کرده‌اند. این که آموزش حسابداری نتوانسته خود را با تغییرهای سریع حوزه فناوری همسو

مربوط، وارد بازار کار شوند.

این در حالی است که برنامه‌های آموزش حسابداری در بیشتر دانشگاه‌ها با تغییرهای فناوری و نیازهای حرفه حسابداری، متناسب نیست. آلبرچ و ساک (Albrecht & Sack, 2000) بر این باورند که آموزش‌دهندگان حسابداری در بازسازی و تجدید ساختار برنامه درسی رشته حسابداری به منظور واکنش به تغییرهای بازار کار حسابداران، با شکست روبه‌رو شده‌اند.

این مهم با یافته‌های پژوهشی برلینر و بریمسن (Berliner & Brimson, 1988) نیز همخوانی دارد. آنان در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که آموزش حسابداری بیشتر بر روش‌های مقداری و فنون تصمیم‌گیری تأکید می‌کند و کمتر به روش‌های جدیدتر می‌پردازد.

بهیمانی (Behimani, 1994) راه‌حلی برای خروج از این مشکل پیشنهاد کرده است. براساس یافته‌های این محقق، باید همکاری تنگاتنگی بین مسئولان تدوین برنامه‌های آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها و حسابداران شاغل در حرفه وجود داشته باشد. بدین ترتیب، شکاف بین تئوری حسابداری و حرفه کمتر خواهد شد. بررسی مداوم برنامه‌های آموزشی حسابداری، مستلزم مدنظر قرار دادن چالش‌های جاری در بازار کار داخلی کشورها و بازارهای جهانی است.

آیوفا (Ayebofo, 2012) نیز پیشنهاد می‌کند تا زمانی که بیشتر شرکتها برای انجام کارهای حسابداری از سیستم‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای پیچیده استفاده می‌کنند، برنامه‌های آموزشی حسابداری در دانشگاه‌ها باید بیشتر بر آموزش

باید همکاری تنگاتنگی بین مسئولان

تدوین برنامه‌های آموزش حسابداری

در دانشگاهها و

حسابداران شاغل در حرفه

وجود داشته باشد



جدول ۱- مهارت‌های مورد نیاز حسابدار

مهارت	حسابرسی	حسابداری مالی و مالیاتی	حسابداری مدیریت
مهارت‌های شخصی	متوسط	متوسط	متوسط
مهارت‌های ارتباطی	متوسط	متوسط	بالا
مهارت‌های تحلیلی	بالا	بسیار بالا	بالا
توانایی ترکیب داده‌ها	متوسط	پایین	بالا
توانایی خلاقیت	متوسط	متوسط	متوسط
ابتکار	متوسط	متوسط	متوسط
مهارت‌های رایانه‌ای	بالا	بالا	بسیار بالا
ساعات‌های کاری	۴۰ تا ۷۰ ساعت در هفته	۴۰ تا ۷۰ ساعت در هفته	۴۰ تا ۵۰ ساعت در هفته

• مسئولان برنامه‌ریزی درسی در گروه‌های حسابداری دانشگاه‌ها در هنگام تدوین برنامه‌های آموزشی حسابداری باید با حسابداران شاغل در حرفه ارتباط و همفکری داشته باشند؛ زیرا این حسابداران می‌توانند تجربه‌های کاربردی خود را در اختیار مسئولان آموزشی قرار دهند.

• مؤسسه‌های آموزشی باید از حسابداران شاغل در حرفه که نسبت به جنبه‌های اصلی فناوری اطلاعات آگاهی دارند، در تدوین برنامه‌های آموزشی حسابداری استفاده کنند. این افراد می‌توانند به‌طور مؤثر و کارا، پاسخگوی نیازهای فزاینده گزارشگری مالی در سازمانهای بزرگ و پیشرفته باشند.

• در نهایت لازم است برای کمک به از بین بردن دغدغه‌های مسائل فنی، در آینده پژوهشهای مشترکی میان رشته‌های حسابداری، اقتصاد، علوم رفتاری و تئوری‌های سازمانی صورت بگیرد.

منبع:

Agbiogwu A.A., **Bridging the Gap between Accounting Theory and Practice: The Role of Accounting Education**, Multidisciplinary Journal of Academic Excellence, 11(1), 2014

نگه دارد، جای تأسف دارد. همچنین، در بسیاری از برنامه‌های مؤسسه‌های آموزشی انعکاسی از تغییرهای ایجادشده در بازار کار حسابداران، دیده نمی‌شود. چنین نگرشی به ادامه شکاف بین تئوری حسابداری و نیازهای کاربردی حسابداری در بازار کار دامن می‌زند (Ayebofo, 2012).

لازم است تا به برخی از مؤسسه‌های آموزشی این نکته را یادآور شد که باید ساختار برنامه‌های آموزشی حسابداری خود را متناسب با تغییرهای ایجادشده در حرفه، تغییر دهند تا اطمینان حاصل کنند که دانش‌آموختگان حسابداری، مهارت‌های مربوط (همان‌طور که در **جدول ۱** نشان داده شده است) برای ورود به حرفه را به‌دست آورده‌اند. اما می‌بینیم که برای پر کردن شکاف بین تئوری حسابداری و نیازهای حرفه و بازار کار حسابداری، راهی طولانی در پیش است.

پیشنهادها

برای اطمینان از پر شدن شکاف بین تئوری حسابداری و نیازهای حرفه و بازار کار حسابداری، این پیشنهادها را می‌توان ارائه کرد:

• تمام ذینفعان حوزه آموزش حسابداری دانشگاه‌ها باید گرد هم بیایند و رابطه نزدیکتری بین برنامه آموزشی دروس رشته حسابداری و نیازهای کاربردی حرفه و بازار کار حسابداری ایجاد کنند.